

داستان اسکندر

تألیف ابوالقاسم فردوسی

شاهنامه فردوسی

دفتر ششم

براساس نسخه‌ی چاپ مسکو

انتشارات آبیای دانیال

تهران ۱۳۹۴

سرشناسه: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. عنوان قراردادی: شاهنامه برگزیده. عنوان و نام پدیدآور: داستان اسکندر براساس نسخه چاپ مسکو/تالیف ابوالقاسم فردوسی. مشخصات نشر: تهران: آوای دانیال، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۵۲ ص. فروست: شاهنامه فردوسی؛ دفتر ششم. شابک: ۵-۵-۸۱۴۳-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است. موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۶. ۱۴/ش PIR۴۴۹۱. رده بندی دیویی: ۸۱/۲۱. شماره کتابشناسی: ۴۰۵۳۳۱۲



داستان اسکندر
ابوالقاسم فردوسی
شاهنامه فردوسی
دفتر ششم

ناشر: انتشارات آوای دانیال
ناظر چاپ: جعفر شیرمحمد
چاپ و صحافی: آراین
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴
تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۵-۵-۸۱۴۳-۶۰۰-۹۷۸
قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

انتشارات آوای دانیال

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه بهشت آیین، پلاک ۲۸

تلفن: ۶۶۴۱۴۳۵ همراه: ۰۹۱۲۳۳۴۰۱۶۵

فهرست

- داستان رستم و شغاد ۱۱
- آغاز داستان ۱۱
- کشتن رستم بد کابل از بهر برادرش شغاد ۱۲
- چاد کندی شاه ران در شکارگاه و افتادن رستم و زواره در آن ۱۶
- کشتن رستم شغاد را بر مردن ۱۸
- آگاهی یافتن زال از کشته شدن رستم و آوردن ۲۰
- نشکر کشیدن فرامرز بد کین و کشتن او شاه کابل را ۲۲
- بیهوش گشتن رودابه از سرگ رستم ۲۴
- سپردن گشتاسپ شاهی به بهمن ۲۵
- بهمن اسفندیار ۲۶
- پادشاهی وی بود و نه سال بود ۲۶
- کین خواست بهمن از بهر خون اسفندیار ۲۶
- در بند انداختن بهمن زال را ۲۷
- رزم فرامرز با بهمن و کشته شدن او ۲۹
- رها کردن بهمن زال را و بازگشتن بد ایران ۳۱
- بد زنی گرفتن بهمن همای دختر خویش را و ولی عهد کردنش ۳۳
- همای ۳۴
- پادشاهی وی سی و دو سال بود ۳۴
- گذاشتن همای پس خود داراب را به دریای قرات در صندوقی ۳۴
- پیروردن گزر داراب را ۳۵
- پرسیدن داراب نژاد خود از زن گازر و جنگ آوردن بد رومیان ۳۸

- ۴۰ آگاه شدن رُشنواد از کار داراب
- ۴۲ رزم داراب با لشکر روم
- ۴۴ بازگشتن همای پسر را
- ۴۵ بر تخت نشاندن همای داراب را
- ۴۷ داراب
- ۴۷ پادشاهی وی دوازده سال بود
- ۴۷ ساختن داراب شهر دابگرد را
- ۴۸ شکستن داراب سدر شکیب را
- ۴۹ رزم کردن داراب با فیلقوس و به زنی گرفتن دخترش را
- ۵۱ بازفرستادن داراب بنید را و راد را بکند از او
- ۵۳ دارا پسر داراب
- ۵۳ پادشاهی وی چهارده سال بود
- ۵۴ مردن فیلقوس و بر تخت نشستن اسکندر
- ۵۶ آمدن سکندر به رسولی خویش نزد دارا
- ۵۹ رزم دارا با اسکندر و شکست یافتن او
- ۶۰ رزم دوم دارا با اسکندر
- ۶۲ رزم سوم اسکندر با دارا و گریختن دارا به کرمان
- ۶۴ نامه‌ی دارا به اسکندر در کار آشتی جستن
- ۶۵ کشته شدن دارا به دست دستوران خود
- ۶۶ اندرز کردن دارا با اسکندر و مردن
- ۷۰ نامه نوشتن اسکندر نزد بزرگان ایران
- ۷۲ اسکندر
- ۷۲ پادشاهی وی چهارده سال بود
- ۷۲ آغاز داستان
- ۷۳ نامه‌ی اسکندر نزد دلارای، مادر روشنگ

- ۷۵ به زنی گرفتن اسکندر روشنگ را
- ۷۶ خواب دیدن کئید پادشاه قنوج
- ۷۹ پاسخ دادن مهبران کئید را
- ۸۱ لشکر کشیدن اسکندر سوی کئید
- ۸۴ فرستادن اسکندر نه مرد دانا برای دیدن چهار چیز شگفت
- ۸۵ او ان نه مرد دانا چهار چیز از کئید هندی به نزد اسکندر
- ۸۶ زمین اسکندر فیلسوف و پزشک و جام کئید را
- ۸۸ آرمودن اسکندر پزشک هندوستان را
- ۹۰ آرمودن سکندر بام کئید را
- ۹۱ نامه‌ی اسکندر به خور هندی
- ۹۳ لشکر آراستن اسکندر به زین و خور
- ۹۵ جنگ اسکندر با هندوان و کشته شدن فور بر دست او
- ۹۸ رفتن سکندر به زیارت خنهی کبهه
- ۱۰۰ لشکر کشیدن اسکندر سوی مصر
- ۱۰۱ نامه‌ی سکندر نزد قیدافه
- ۱۰۲ گرفتار شدن بسر قیدافه به دست رومیان
- ۱۰۴ رفتن اسکندر به رسولی سوی قیدافه
- ۱۰۷ پند دادن قیدافه اسکندر را
- ۱۰۹ چاره نمودن سکندر با طینوش
- ۱۱۲ پیمان اسکندر با قیدافه و بازگشتن او
- ۱۱۶ رفتن سکندر به شهر بزمه‌مان
- ۱۱۹ رفتن اسکندر به دریای خاور و به زمین حبش
- ۱۲۱ رسیدن اسکندر به شهر نزمیایان و کشتن اژدها
- ۱۲۳ دیدن اسکندر شگفتی‌های به شهر هروم
- ۱۲۷ لشکر به مغرب راندن اسکندر

- ۱۲۸ جستن اسکندر آب حیوان را
- ۱۲۹ گفت و گوی اسکندر با مرغان
- ۱۳۰ دیدن اسکندر اسرافیل را
- ۱۳۱ بستن اسکندر سد یا جوج و مأجوج را
- ۱۳۲ دیدن اسکندر مرده را در ایوان یاقوت زرد
- ۱۳۴ دیدن اسکندر درخت گویا را
- ۱۳۷ رفتن اسکندر به نزدیک فغفور چین
- ۱۴۰ رسیدن اسکندر به دشت ریند و جنگ کردن
- ۱۴۲ لشکر کشیدن اسکندر به بابل
- ۱۴۳ نامه‌ی اسکندر نزد شیطانی و پاسخ یافتن
- ۱۴۵ نامه‌ی اسکندر به نزدیک مادر و اندرز کردن
- ۱۴۷ مردن اسکندر به بابل
- ۱۴۹ شیون حکیمان بر اسکندر
- ۱۵۰ شیون کردن مادر و زن اسکندر بر او
- ۱۵۱ گله کردن فردوسی از پیری و دهر
- ۱۵۳ اشکانیان
- ۱۵۳ پادشاهی اشکانیان دوصد سال بود
- ۱۵۳ گفتار اندر ستایش سلطان محمود
- ۱۵۵ آغاز داستان اشکانیان
- ۱۵۶ خواب دیدن بابک در کار ساسان
- ۱۵۸ زادن اردشیر بابکان
- ۱۵۹ آمدن اردشیر به درگاه اردوان
- ۱۶۱ دیدن گلنار اردشیر را و مردن بابک
- ۱۶۳ گریختن اردشیر با گلنار
- ۱۶۴ آگاهی یافتن اردوان از کار گلنار و اردشیر

- ۱۶۶ گرد کردن لشکر اردشیر
- ۱۶۸ جنگ کردن اردشیر را بهمن و فیروزی یافتن
- ۱۶۹ جنگ اردشیر با اردوان و کشته شدن اردوان
- ۱۷۱ جنگ اردشیر با گردان
- ۱۷۴ داستان کرم هفتواد
- ۱۷۷ راه اردشیر با هفتواد و شکست یافتن اردشیر
- ۱۷۸ نارا دادن مهرک نوشزاد خاندی اردشیر را
- ۱۸۲ نشستن اردشیر کرم هفتواد را
- ۱۸۴ کشتن اردشیر هفتواد را
- ۱۸۵ اردشیر بابکر
- ۱۸۵ پادشاهی وی چهار سال و دو ماه بود
- ۱۸۵ بر تخت نشستن اردشیر
- ۱۸۶ سرگذشت اردشیر با دختر اردوان
- ۱۸۸ زادن شاپور اردشیر
- ۱۹۰ گوی زدن شاپور و شناختن پدر او را
- ۱۹۲ فال پرسیدن اردشیر از کید هندی
- ۱۹۴ به زنی گرفتن شاپور دختر مهرک را
- ۱۹۵ زادن او رمزد شاپور از دختر مهرک
- ۱۹۸ تدبیر ساختن اردشیر در کار پادشاهی
- ۲۰۳ اندرز کردن شاه اردشیر مهتران ایران را
- ۲۰۴ اندرز کردن اردشیر مردمان را
- ۲۰۶ ستودن خرداد اردشیر را
- ۲۰۸ سپردن اردشیر کار پادشاهی را به شاپور
- ۲۱۴ شاپور، پسر اردشیر
- ۲۱۴ پادشاهی وی سی و یک سال و یک ماه و دو روز بود

- ۲۱۴ بر تخت نشستن شاپور
- ۲۱۵ رزم شاپور با رومیان
- ۲۱۷ اندرز کردن شاپور پسر خود اورمزد را
- ۲۱۸ آوزمزد
- ۲۱۸ پادشاهی وی یک سال و دو ماه بود
- ۲۱۹ اندرز کردن اورمزد و مردن
- ۲۲۲ بهرام اورمزد
- ۲۲۲ پادشاهی وی سه سال سه ماه و سه روز بود
- ۲۲۳ تخت سپردن بهرام اورمزد پسر خود را بهرام و مردن
- ۲۲۳ بهرام بهرام
- ۲۲۳ پادشاهی وی نوزده سال بود
- ۲۲۵ بهرام بهرامیان
- ۲۲۵ پادشاهی وی چهار ماه بود
- ۲۲۵ نرسی بهرام
- ۲۲۵ پادشاهی وی نه سال بود
- ۲۲۶ اورمزد نرسی
- ۲۲۶ پادشاهی وی نه سال بود
- ۲۲۸ شاپور ذوالاکتاف
- ۲۲۸ پادشاهی وی هفتاد و دو سال بود
- ۲۲۹ بردن طائر عرب دختر نرسی را و رفتن شاپور به رزم او
- ۲۳۰ عاشق شدن مالکۀ دختر طائر بر شاپور
- ۲۳۲ بر دست شاپور دادن مالکۀ دختر طائر را و کشته شدن طائر
- ۲۳۳ رفتن شاپور به روم و قیصر روم بد پوست خر دوختن او را
- ۲۳۶ رهانیدن کنیزک شاپور را از چرم خر
- ۲۳۸ گریختن شاپور از روم و رسیدن به شهر ایران

- ۲۴۰ شناختن ایرانیان شاپور را و گرد کردن او سپاه را
- ۲۴۳ شیخون زدن شاپور و گرفتن قیصر روم
- ۲۴۶ لشکر کشیدن شاپور به روم و رزم او با برادر قیصر
- ۲۴۸ بر تخت نشاندن رومیان برانوش را و نامه نوشتن او به شاپور
- ۲۴۹ رفتن برانوش پیش شاپور و پیمان بستن با او

www.ketab.ir